

نشریه سپیدار

ارگان رسمی بسیج دانشگاه تهران

ویژه مراسم تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی



آماده‌ایم برای انتقام سخت

بیانیه بسیج دانشگاه تهران در پی جنایت اخیر آمریکا و شهادت سردار سلیمانی

بدانید و آگاه باشید که امروز، بسیجیان دانشجوی شما، آمادگی خود را برای اعزام به صحنه نبرد نظامی با همه مستکبرین جهان و در راس آن‌ها امریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی محضرتان اعلام می‌دارند. اینک کف خواسته ما، اخراج مزدوران جنایتکار آمریکا از منطقه و پاک کردن صحنه گیتی از لوٹ وجود رژیم صهیونیستی است. خدا می‌داند که نبرد نهایی را سخت چشم انتظاریم و هر روزمان را به امید اذن جهاد حضرتتان تا کاخ ظالمین و مستکبران را ویران کنیم. خیالتان راحت که سربازان دانشجویان آماده تحقق فرمانتان اند و امر، امر شماست. آماده ایم که منطقه را جهنم جنایتکاران سازیم و کاری کنیم که از ترس انتقام ما خواب نداشته باشند. و آن روز، به لطف خدا دور نباشد... و لینصرن الله من ینصره... و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون

#توئیت_نوشت

#انتقام سخت تکنولوژی دور کردن تهدید جنگ است. جنگ نتیجه انتقام نیست، نتیجه عدم اقتدار است. تاریخ آمریکا نشان می‌دهد این کشور هیچگاه با یک #مقتدر منتقم نچنگیده است

سید حسن نصرالله: قصاص عادلانه ما امروز برای قاسم سلیمانی، عماد مغنیه، عباس موسوی، راجب حرب، مصطفی بدرالدین، ابومهدی المهندس و همه شهدای مقاومت خواهد بود.

#انتقام_سخت

به امثال تاجزاده ها می‌گیم نتایج رفاه و صلحتون با آمریکا رو دیدیم. دیگه دورتون قوم شده. این بار می‌خواهیم اقتدار انتقام را بچشیم.

#انتقام_سخت

آمریکا برای روز های بعد از جنایت روی بلندگوهای خود در داخل حساب باز کرده.

بلندگوهایی که امروز انتقام نگرفتن را توجیه میکنند و بعد کم کم در اصل حرکت حاج قاسم هم تشکیک میکنند. ظاهرا #تاجزاده چراغ اول را روشن کرده.

اما، شما، مسئولین جمهوری اسلامی ایران! بدانید، امروز، دانشجویان، همراه با آحاد ملت ایران و دیگر ملل مستضعف، با چشمانی اشکبار و البته چهره‌ای برافروخته از خشم نسبت به آمریکا و ایادی خارجی و داخلی‌اش، خواستار برخورد سخت و صریح جمهوری اسلامی ایران با شیطان بزرگ و انتقام‌گیری خون شهدای محور مقاومت‌اند. اقدام آمریکا، نه فقط اعلان جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، که علیه کل جبهه مقاومت و همه ملل مستضعف بود. این بدیهی است که اگر پاسخی قاطع از جانب جمهوری اسلامی ایران به این اقدام داده نشود، مسیر برای ادامه این جنایات، هموارتر خواهد شد و ذلتی ماندگار نصیب ما، مستضعفین جهان و هیئات منا الذله، خروج از معاهدات بین‌المللی با آمریکا و همیمانانش، امروز امری بدیهی و مطالبه آن از مسئولین، شرم‌آور و موجب کسر شأن ملت ایران است. مطالبه امروز، پاسخی از جنس اقدام آمریکا و وارد آوردن ضربه‌ای به اندازه ضربه وارد شده از جانب دشمن است، نه اعلام مواضع چند پهلوی، کلیشه‌ای و ضعیف و اکتفا به آن‌ها. اخراج کامل تروریست‌های امریکایی از منطقه، اولین خواست ملت ایران است که باید محقق شود. امروز اگر واکنش ایران از جنس اقدام آمریکا و در همان اندازه نباشد، خون شهدای مقاومت بر گردن مسئولین مربوطه و تبعات اقدامات بعدی آمریکا، برعهده آن‌هاست. و اما جمله پایانی خطاب به فرماندهی معظم کل قوا!

پیش از وقوع این حادثه نیز، انتظار شهادت حاج قاسم را داشتیم، چرا که نیک می‌دانیم، شهادت هنر مردان خدا و عاقبت مجاهدان راه حق است. شهید سلیمانی، پس از چندین دهه مجاهدت در راه خدا و فتوحات بسیار در صحنه‌های نبرد، سرانجام به آرزوی خود رسید و تحت عنایت سیدالشهدا (ع)، به شهادت نائل آمد. آن‌چه امروز مهم است، ادامه راه شهید سلیمانی و پاسداری از خون اوست. خط شهید سلیمانی، همان خط اصولی دفاع از مستضعفین است که همه ما موظف به پاسداری از آن هستیم. برکت خون این شهید عزیز، رویش سلیمانی‌هاست که در آینده‌ای نزدیک، کار استکبار جهانی را یکسره خواهد کرد.

ترور فرماندهان مقاومت اسلامی، اولاً نشان‌دهنده شکست دشمن و دست و پا زدن‌های آخر اوست. ثانیاً نمایاننده خباثت و رذالت رژیم امریکاست که در طول تاریخ، نمونه‌های مکرر دیگری از این دست جنایات، شهادی بر این مدعاست. اما آنان که این اقدام وقیحانه را به شخص رئیس‌جمهور امریکا تقلیل می‌دهند، همان بزرگ‌کنندگان همیشگی چهره امریکا هستند که امروز، راه را بر خود سخت می‌بینند و چاره‌ای نمی‌بینند جز نسبت دادن این حادثه به شخص ترامپ و مبرا دانستن دیگر اجزای این رژیم تروریستی. وجود همین تفکر است که با اقدامات خود، تصویری از جمهوری اسلامی ایران به دشمن ارائه کرده است که براساس آن، دشمنان وقیحانه دست به جنایاتی اینچنینی می‌زنند.

دولت آمریکا؟ یا ترامپ؟

با چه کسی طرف هستیم؟

یکی مرد جنگی به از صد هزار

جنگ اقتصادی کشور، مرد جنگی میخواهد!

شهادت حاج قاسم نوری بود در تاریکی ها تا روشن شود. روشن شود و کنار رود این سایه ای که از جنس پوشالین مذاکره برایمان ساخته بودند که گویا جهان جای صلح است و فقط باید لجبازی ها را کنار بگذاریم و اندکی زندگی را ساده تر بگیریم. مگر رفاه نمیخواهید؟ میدانید آتش به دامن دشمن ریختن نتیجه اش جنگ است و جنگ هم یعنی زوال و نابودی رفاه و تنگی معیشت و کوپنی شدن همه چیز!

امروز روشن شد جهان فقط جای جنگ است و پیروزی برای کسی است که تمام تمرکزش به صحنه نبرد باشد. همه، سلاحها را کشیده اند و پای در عرصه گذاشته اند. در این میان، آنکه بیش از همه شمشیر میزند و تقلا می کند ترامپ است. آخر همیشه آنی که جان به حلقومش رسیده باشد و بوی مرگ را حس کند، محکم تر شمشیر میزند اما کسی برنده می شود که تمام تمرکزش بر صحنه نبرد باشد.

اینکه روی مسئله تمرکز بر جنگ تأکید می کنم به این خاطر است که ما کمتر به بعد اقتصادی و داخلی جنگ بها داده ایم. حتی اگر یک گلوله هم شلیک نشود آنکه به خوبی تحولات اقتصادی و منطقه ای را تحلیل کند وضعیت را یک جنگ تمام عیار می یابد. حمله تمام عیار دفاع تمام عیار می خواهد. حمله نرم اقتصادی آمریکا درشدید ترین نوعش دنبال می شود و در مقابل اقدام جنگی اقتصادی ایران در ضعیف ترین شکلش. چرا که رأس جبهه اقتصادی کشور یعنی دولت اصلاً به وضعیت جنگی اعتقادی ندارد. جهان جای صلح است و باید با مذاکره مشکلات کشور را حل کرد. این است که هیچ اقدامی در راستای تولید همگانی داخلی، پیوند با همسایگان برای تجارت، بستن بودجه برای تغییرات زیرساختی انجام نمی شود. اقتصاد مقاومتی، حرف فرمانده حاج قاسم، زمین می ماند.

شهادت حاج قاسم پیام روشنی دارد. حرف آخر را باید همین اول زد. کشور مسئولینی نیاز دارد که از بن دندان دشمن آمریکا باشند و خود را در صحنه جنگ حس کنند چرا که امروز عرصه اقتصاد کشور مرد جنگی و سرداران خوش فکر و جوان نیاز دارد. فرمود یکی مرد جنگی به از صد هزار. گاه انتخابات نزدیک است. شاید اگر از قبل محکم ایستاده بودیم و ضعف نشان نمی دادیم ایران حتی تهدید هم نمی شد چه رسد به اینکه سردار بزرگش ترور شود. بوقچی های صلح طلب داخلی چند روزی هست بلندگوها را بلند کرده اند و فریاد سکوت در مقابل دشمن می دهند. استدلال یک چیز بیشتر نیست. جهان جای صلح است و هدف رفاه مردم. رفاه را البته این چندساله دیده ایم. رفاهشان اوج ذلت است.

این ها باهدف ضربه زدن به جمهوری اسلامی است. ناگفته نماند که ایالات در این پروژه بعضاً تلاش های واهی قبلی خودش را نقض کرده است. در این چند ماه اخیر آمریکا تمام تلاش خود را کرد تا بتواند بین مردم عراق و ایران شکاف عمیقی را ایجاد کند اما باهدف قرار دادن هم زمان سردار سلیمانی و ابو مهدی المهندس فرمانده حشد الشعبی در این دو روز شاهد عزاداری و همدردی بیشتر عراق و ایران بودیم که قطعاً می تواند یک اشتباه در پازل فکری ایالات متحده تلقی شود. مسئله برای آمریکا ترکیبی از منافع و ذهنیت هاست. نفوذ و قدرتش در منطقه نفت خیز خاورمیانه در حال کم شدن است و از طرفی ذهنیت و تفکر ضد استکباری اسلام ناب در حال گسترش و سلطه بر سرمایه داری است. این دو عامل باعث میشود آمریکا به تکاپو بیفتد. اما میبینیم اقداماتش با تحلیل و پیش فرض های غلط از مردم ایران و عراق انجام میشود.

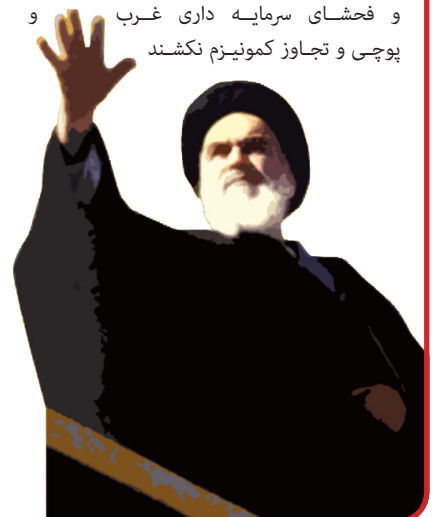
در حال حاضر آن چیزی که در طی این حادثه تلخ مدنظر است این است که سیاستمداران باید بدانند که دشمنی ایران و آمریکا از لحاظ فنی وابسته به اشخاص نیست بلکه دشمنی دو سیستم کلی در دو کشور است که تا الآن قدرت ایران به عنوان عاملی بازدارنده مانع حماقت های این چنینی آمریکا شده است. چه بسا برخلاف تصور بسیاری از دولتمردان نبود واکنشی سخت و هم وزن از سوی ایران، منجر به جنگ در آینده شود.

یکی از مهم ترین بحث های مطرح در روابط بین الملل و روانشناسی سیاسی این پرسش است که آیا سیاست های کلی یک کشور با تغییر شخص اول آن کشور به تغییر کلان منجر می شود و یا ثابت می ماند؟ به عبارتی با توجه به مصداق پیش رو اگر رئیس جمهور آمریکا شخصی به غیر از ترامپ بود جرئت و یا حماقت چنین اعلام جنگی را می کرد؟ برای پاسخ به این پرسش در ابتدا نیاز هست بدانیم که این اقدام ترامپ ناشی از یک تصمیم کاملاً انفرادی ست یا تکمیل کننده سیاست های کلی ایالات متحده است. ترامپ دو روز قبل از شهادت سردار سلیمانی با نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل گفت و گو می کند. از طرفی پامپئو ۴۸ ساعت قبل از ترور تماس هایی با برخی رهبران می گیرد و این تماس ها همچنان بعد از بامداد جمعه هم ادامه دارد. همچنین روزنامه ی لس آنجلس تایمز می گوید: «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا در جلسه توجیهی تیم امنیتی ملی اش و تحت تأثیر تحریک مشاوران ضد ایرانی خود، گزینه ترور نظامی قاسم سلیمانی را انتخاب کرد.

نتیجتاً می توان این طور برداشت کرد که این اقدام حاصل تصمیم گیری شخص ترامپ نیست، بلکه حاصل اجماع کلی سیاست های ایالات متحده است. اجماعی که یک زمان گزینه ی برجام را درست می داند و زمانی دیگر ترور را انتخاب می کند و همه

پیام امام خمینی ابتدای سال ۶۸

من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیسم نکشند



که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخوااران شکست می خوریم و نابود می شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ یادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه های دار می روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم. من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند.

ارتباط با ما:

https://t.me/sepidar_ut
[@Arad1111a](https://ble.im/sepidar_ut)